

حافظ را کمتر کسی است که نشاند، شهرتش جنبه جهانی دارد و نام او برای ارازان نامی کاملاً آشناست و اغلب آنها از اشعار او ابیاتی را از بر دارند.

انتخاب تخلص «حافظ»، حکایت از ذوق هنری و تعلق خاطر سرا نده، به قرآن و مفاهیم ملکوتی آن دارد. پوند عشق و عرفان حافظ را موفق کرد تا از ترکیب این دو عنصر مجموعه ای شگفت انگیز و دلپذیر بوجود آورد.

در غزلیات حافظ، علاوه بر عشق الهی که سرچشمه عرفانی دارد، موارد بسیاری درباره عشق انسانی و نشانه های آن یافت می شود. در اینگونه از غزلیها آشکارا از اندام آدمی: چشم، ابرو، خال، زلف، لب لعل و خصوصیات جسمانی و مادی صحبت می شود و سرا نده آن را به صورت یک ارتباط منطقی با محبوب ازلی مرتبط می سازد، این عشق انسانی در نهایت منجر به عشق الهی می شود.

در تعریف عشق آمده است که: عشق بر دو گونه است، یکی احساسات و عواطف و محبت انسانها نسبت به یکدیگر که آن را عشق مجازی می گویند و دیگری عشق به پروردگار جهان است که آنرا عشق حقیقی گویند و در این مقال می خواهیم بدانیم که عشق به حضرت پیامبر، صلی الله علیه و آله، و خاندان طاهرانش در کدام یک از این دو تعریف می گنجد، در این باره از پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، نقل است که: «چه بنده ای مؤمن نیست تا اینکه من نزد او از زن و فرزند و مال و همه مردم محبوب تر باشم.» و در روایتی آمده است: «از خودش»<sup>1</sup>.

و در حدیث دیگری می فرماید: «خدا را به خاطر نعمتها می که به شما داده دوست بدارید و مرا به خاطر دوستی خدا»<sup>2</sup>.

حاصل آنکه دوستی و محبت به اولیای حق همان مسأله محبت به خداست، عشق ورزیدن به اهل بیت، علیه السلام، همان عشق ورزیدن به

مقام ربوبیت است و در حقیقت دوستی اهل بیت، علیه السلام، حکم پلی را دارد که عاشق را به سوی حق و حقیقت هدایت می کند.

حافظ نیز سرمنشأ عشق و راه وصل را در جمال اوست جستجو می کند و جمال او را بازتاب جمال حق در عرصه آفرینش می داند. طبیعتاً این سلوک و وجود روح افزای محبوب به عاشق اثر فنا را در وی می زند و نامش را برای ابد در جریده عالم ثبت می کند.

هرگز نه رد آنکه دلش زنده شد به عشق  
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

اکنون می خواهیم بدانیم چه کسی می تواند بر فردی مثل حافظ اثر بگذارد و اساساً انسان کامل در عصر حافظ چه کسی بوده است؟

آیا مشایخ شهر که الگوی عوام به عنوان یک انسان کامل بوده اند می توانستند الگوی حافظ باشند؟ به طور کلی منفی است.

نشان اهل خدا عاشقی است با خود دار  
که در مشایخ شهر این نشان نمی بینم

نشان انسان کامل و در لسان حافظ (مرد خدا) عاشقی است و خواجه عشق را در مشایخ شهر نمی بیند.

زاهد ظاهر بن زناز نمادهای منفی شعر حافظ است. زاهد فقط به ظاهر می نگردد و از باطن و نهانخانه دل بی خبر است. زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

چنانچه بداست، حافظ زاهد را به عنوان راهبر نمی پذیرد، معشوق حافظ از خاک بوجود آمده، ولی به آن دل بستگی ندارد و به عبارتی رنگی از تعلق بر خودش ندارد.

غلام همت آنم که ز رخسار کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

پس محبوب حافظ با انسان کامل باشد، استاد مطهری، رحمه الله علیه، در شرح انسان کامل می گوید:

«انسان، مانند بسیاری از چیزهای دیگر کامل و غرکامل دارد و شناخت انسان کامل و انسان نمونه از دیدگاه اسلام، از آن نظر برای ما اهمیت دارد که اگر بخواهیم یک مسلمان کامل باشیم، با بدانیم که انسان کامل چگونه است و بسامای معنوی انسان کامل چه مشخصاتی دارد، تا در پرتو این شناخت بتوانیم خود و جامعه خود را آنگونه بسازیم. انسان کامل در اسلام یک انسان آگاه و ذهنی نیست، بلکه وجودی است.»

استاد مطهری، پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، را به عنوان یک نمونه انسان کامل و بعد از ایشان حضرت امام علی،

علیه السلام، را به عنوان نمونه دیگر معرفی می نماید.

استاد ادامه می دهد:

«عقل، عشق، محبت، عدالت، خدمت و آزادی از انواع ارزشهای انسانی هستند، حال کدام انسان، انسان کامل است، او که فقط عابد محض است؟ عاشق محض؟ عادل محض؟ و... نه هیچکدام، انسان کامل نیست، انسان کامل انسانی است که همه این ارزشها، [در حد اعلی] و [هماهنگ با یکدیگر] در او رشد کرده باشد و علی، علیه السلام، چنین انسانی است.»<sup>3</sup>

انسان کامل در شعر حافظ

استاد مطهری در کتاب آینه جام، ابیاتی را تحت عنوان انسان کامل در شعر حافظ گردآوری نموده است، که از آن جمله اند:

گرچه شر بن دهنان پادشاهانند، ولی

او سلیمان زمانست که خاتم با اوست

در احادیث شباهتهای فراوانی برای آن حضرت با آن ذکر شده است و از آن جمله در شباهت آن حضرت با سلیمان، علیه السلام، آمده است: با دها به اذن خداوند مسخر وی می گردند و سلطنت او بر تمام زمین گسترده خواهد شد و او مؤمنان در این رابطه می فرماید:

«نخستین کاری که قائم در انظار انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است.»<sup>4</sup>

و نیز می فرماید:

«در بیت المقدس، تابوت سکه و [انگشتر سلیمان] و الواحی را که بر موسی نازل شده بیرون می آورد.»<sup>5</sup>

همچنین امام صادق، علیه السلام، می فرماید:

«عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست او خواهد بود.»<sup>6</sup>

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شر بن کار

که در برابر چشمی و غایب از نظری

او مؤمنان در این رابطه می فرماید:

«هنگامی که امام غایب از دیده ها پنهان شود و مردم از غایت او از حد شرع بیرون روند، توده مردم خیال می کنند

که حجت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است. سوگند به خدای علی در چنین روزی «حجت خدا در میان

آنهاست»، در کوچه و بازار آنها گام برمی دارد و بر خانه های آنها وارد می شود و در شرق و غرب عالم به ساحت می

پردازد و گفتار مردمان را می شنود بر اجتماعات آنها وارد شده سلام می فرماید...»<sup>7</sup>

در این شب سه ماهم گم گشت راه مقصود

از گوشه ای برون آی ای کوب هدا

روایت زر با مصرع دوم بیت مذکور مطابق است.

امام زین العابدین، علیه السلام، می فرماید:

«فتنه های چون امواج تارک شب بر آنها هجوم می آورد که کسی از آنها رها نمی آید، بجز افرادی که خداوند از

آنها بیرون گرفته است، آنها شعله های هدايت و سرچشمه های دانش و فضیلت هستند، که خداوند آنها را از هر فتنه

تارک نجات می دهد.»<sup>8</sup>

حاصل آنکه بیت یاد شده از حافظ برگرفته از واقعه ای است که در متن احادیث نقل است: خواجه شراز در شرایط

نابسامان جامعه در جستجوی کوب هدايت، حضرت مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه، است تا از طریق وی به

حقیق دست آید.

هوخواه توأم جان و می دانم که می دانی

که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی

پد امیر اکرم، صلی الله علیه و آله، می فرماید:

«زبان عترت من، و پاکان بستگان من، در کودکی حکم بر من مردمان، و در بزرگی دانایان من آنان هستند. آگاه باش

که ما خاندانی هستیم که از علوم خدا به ما تعلیم شده است و از حکمت خدا به ما عطا شده، و از صادق مصدق فرا

گرفته ایم.»<sup>9</sup>

آری آن حضرت خزانه دار علوم الهی است و اسرار الهی را از صادق مصدق فرا گرفته و به همه بن علیت از اسرار درونی

خواخواهان خود مطلع است.

ادامه دارد

پی نوشتها:

- × برگرفته از کتاب: دلبری برگزیده ام، مجتبی معظمی و 2. مجموعه ورام «آداب و اخلاق در اسلام»، ج اول.
- . انسان کامل، ص 51.
- . بشارة الاسلام، ص 253.
- . الزام الناصب، ص 202.
- . منتخب الاثر، ص 221.
- . بشاره الاسلام، ص 37.
- . غبت نعمانی، ص 84.
- . منتخب الاثر، ص 151.

ماهنامه موعود شماره 25

## قسمت دوم

همانگونه که ذکر شد، مهدویت و نوید ظهور مصلح غیبی در اسلام بسیار قدیمی و ریشه دار است، لکن نباید غافل بود که این امر اختصاص به شیعه ندارد، بلکه این اعتقاد در میان عامه مسلمین وجود دارد و همچنین این ادیان دیگر نیز ظهور آن حضرت را قطعی می دانند، ولی هر کدام، از این منجی، به گونه ای تعبیر کرده اند. حافظ درباره غبت آن حضرت می گوید:

از دست غبت تو شکایت نمی کنم

تا نیست غبته نبود لذت حضور ادر جای دیگر:

ای غا ب از نظر به خدا می سپارمت

جانم بسوختی و به جان دوست دارمت امام رضا، علیه السلام، درباره غایت آن حضرت چنین می فرماید:

چهارمین فرزند من، خداوند او را در پشت پرده غایت پنهان می سازد. تا وقتی که خود می خواهد.<sup>1</sup>

در کتاب مجموعه زندگی چهارده معصوم آمده است: عارف نامی حافظ شریاز که به زیارت جان بھرانور امام زمان، عجل الله تعالی فرجه، تشریف حاصل کرده است، شریاز زیارت حجت عصر را چنین وصف می کند:

در خرابات مغان نور خدا می بینم

این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

جلوه بر من مفروش ای ملک الحاج که تو

خانه می بینی و من خانه خدا می بینم

خواهم از زلف بتان نافه گشایی کردن

فکر دورست همانا که خطا می بینم استاد علی دوانی در کتاب شوق مهدی مطلبی را در مورد حافظ و حضرت مهدی آورده است:

در اشعار هیچ یک از شاعران بزرگ و راز حافظ نمی بینم که تا این حد ابیاتی مناسب با اعتقاد شیعیان درباره امام زمان، علیه السلام، آمده باشد و تقریباً کمتر غزلی است که بیتی ابیاتی از آن مناسب با وصف حال امام غایب از نظر نباشد.

لسان الغیب در غزلهای شورانگیز خود بارها سروده است:

روی بنما و وجود خودم از یاد ببر

خرمن سوختگان را همه گو باد ببر

اشکم احرام طواف حرمت می بندد

گرچه از خون دل ریش دمی ظاهر نیست

عمر است تا به راه غمت رو نهاده ام

روی و رای خلق به یک سو نهاده ام

ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر

باز آ که رخت بی گل رویت بهار عمر

ای پادشاه خوبان داد از غم تنها می

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

بنمای رخ که خلقی واله شوند و حیران

بگشای لب که فراد از مرد و زن بر آید از اینها جالبتر آنکه حافظ نام «مهدی» را صرفاً آورده و از ظهور و نابودی «دجال» - مظهر او ترو و بدی و پلیدی - سخن گفته است:

کجاست صوفی دجال چشم ملحد شکل

بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسد!

شبهت حضرت مهدی به پیامبران الهی در شعر حافظ

در حضرت نشانه‌ها می‌آید از پیامبران الهی وجود دارد که به احادیثی در این رابطه اشاره می‌کند:

مهدی قائم از نسل علی بن ابیطالب، علیه السلام، است که در اخلاق و اوصاف، شکل و سمانا، شکوه و هبت چون عیسی بن مریم است. خداوند به همه پیامبران هر چه داده، به او نیز داده، با اضافاتی.

همچنین در روایت دیگری از کتاب اثبات الرجعة فضل بن شاذان از امام صادق، علیه السلام، آورده است:2:

هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیای من نیست مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی مثل آن را به دست قائم، علیه السلام، ظاهر می‌گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند.<sup>3</sup>

و در حدیث دیگری امام صادق، علیه السلام، می‌فرماید:

و در آن هنگام که آقای ما قائم، علیه السلام، به خانه خدا تکیده زده می‌گردد: ای مردم هر کس می‌خواهد آدم و شمش را ببیند، بداند که من آدم و شمش هستم و هر کس می‌خواهد نوح و فرزندش سام را ببیند، بداند که من نوح و سامم و هر کس که می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بداند که من همان ابراهیم و اسماعیل می‌باشم، و هر کس می‌خواهد موسی و شمع را ببیند، من همان موسی و شمع هستم، و هر کس می‌خواهد عیسی و شمعون را ببیند من همان عیسی و شمعون هستم و هر کس می‌خواهد محمد، صلی الله علیه و آله، و علی، علیه السلام، را ببیند من همان محمد و ام‌المؤمنین، علیهما السلام، هستم و هر کس می‌خواهد حسن و حسین را ببیند من همان حسن و حسینم و هر کس می‌خواهد امامان از ذریه حسن، علیه السلام، را ببیند بداند که من همان ائمه اطهار هستم، دعوتم را بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه گفته‌اند و هر چه نگفته‌اند به شما خبر دهم.<sup>4</sup>

احادیث فوق دلالت دارد که تمام صفات انبیا و ائمه، علیهم السلام، در وجود حضرت جمع است و چه خوش گفته‌اند: «آنچه خوبان همه دارند تو کجا داری».

حافظ نیز این نکته را با سروده:

حافظ مکن اندیشه که آن وسف مه روی

باز آید و از کعبه احزان به در آیی

:۱

گفتند خلاق که تو می‌وسف ثانی

چون ذک بد دم به حقه ت به از آنی

ادامه دارد

پی نوشتها:

× برگرفته از کتاب دلبری برگزده ام...م...

. بشاره الاسلام، ص 51.

. روزگارها ی، ج 1، ص 130.

. غبت نعمانی، ص 13.

. همان.

ماهنامه موعود شماره 26